

رضوان الله
عليه

شرح حال مرحوم میرزای قمی

مسافرت میرزا به اصفهان و شیراز - میرزا پس از ورود به اصفهان چندی در مدرسه کاسه کران اقامت مینماید چون علمای طالب دنیا آثار علم ورشد را از او ملاحظه مینمایند، به او امانت مینمایند، و ناچار آن بزرگوار بشیراز مهاجرت مینماید در این زمان شیراز پایتخت کریبخان زند بوده و میرزا مدت ۲ یا سه سال در آن اقامت مینماید

بنا به نقل قصص العلماء در شیراز شیخ عبد المحسن و فرزندش شیخ مفید به میرزا کمک مینمودند و مبلغ هفتاد یا دویست تومان باو میدهند میرزا از شیراز به اصفهان حرکت مینماید و چون کتب لازم برای مطالعه نداشته مقداری کتاب اشیاع مینماید و در این زمان کتاب، هرمن شاه (دومن تبریز) ده تومان بوده است. و چون عادت بر این جاری بوده که کفه متاع از کفه وزنه بایستی سنگین تر باشد معروف است کتاب روضة البهیة (لمعه دمشقیه) را بر بالای کفه کتب گذاشته و بایشان تسلیم مینمایند میرزا پس از ورود به اصفهان بطرف قلعه باو حرکت مینماید و مجددا در آنجا اقامت نموده بتدریس اشتغال میورزد و در این زمان چند نفر در نزد او به تحصیل فقه و اصول میپردازند ولی چون آنجا از علماء و فضلا خالی بوده و امره ماش نیز بر آن جناب تنگ بوده و مردم نیز در اثر عدم ادراک و تشخیص به آن بزرگوار اعتنائی نداشتند لذا به بلده طیبیه قم مهاجرت مینماید اقامت میرزا رحمه الله علیه در قم - پس از ورود میرزا به قم اهالی قم مقدمش را گرامی داشته تقاضا نمودند که در قم اقامت نماید میرزا هم قبول نموده در قم رحل اقامت افکند میرزا پس از اقامت در قم و مجاورت بقعه منوره حضرت مصومه علیها السلام روز بروز شهرت یافته طلاب علم از هر جانب بسویش شتافته و از محضرش کسب فیض مینمودند. بقدری مورد احترام بوده که مقبولیت عامه یافته وصیت شهرتش در همه جا پیچیده و مرجع تقلید عموم گردیده است

یکی از موثقین برای نگارنده نقل نمود که اهالی جابلق و هم وطنان میرزا بازهم اورا راحت نگذاشتند چنانکه چند نفر شبانه بخانه او آمده اظهار داشتند ما از ده آمده ایم و مسئله ای داریم آنجناب هم برسیره و عادت تواضعی که داشته امتناعی

نمود و مسئله ایشان را پرسید. گفتند که ما در دهر سر این موضوع دعوی داشتیم که نام مادر رستم (بهلوان مشهور شاهنامه) چه بوده چون هر کس چیزی میگفت آمده ایم که عقیده شما را بدانیم چیست میرزا جواب داد این مسئله بن ارتباطی ندارد هنوز هم شما را راحت نیکگذارید از دست شما به قم آمده باز هم از شما در امان نیستیم علم و فضل و زهد میرزا - صاحب اعیان الشیعه در باره او چنین نوشته :
 کان عالما مجتهدا محققا مدققا فقیها اصولیا علامة رئیساً میرزا من علماء دولة السلطان فتحعلیشاه القاجاری و اشتهر بین العلماء بالمحقق القمی و فی عباراته شیئی من الاغلاق وانفرد بعده اقوال فی الاصول والفقه عن المشهور کقوله بحجیة الظن المطلق واجتماع الامر والنهی فی شیئی واحد شخصی وجواز القضاء للمقلد برای المجتهد و غیر ذلك وقد قیل فی حقه : هو احدا رکان الدین والعلماء الربانیین والافاضل المحققین و کبار المؤمنین وخلف السلف الصالحین کان من بحور العلم واعلام الفقهاء المتبحرین طویل الباع کثیر الاطلاع حسن الطریقه معتدل السلیقه له غور فی الفقه والاصول مع تحقیقات رائقه وله تبحر فی الحدیث والرجال والتاریخ والحکمة والکلام کما ینظر کل ذلك من مصنفاته الجلیله هذا مع ورع و اجتهاد وزهد وسداد وتقوی واحتیاط ولا شک فی کونه من علماء آل محمد و فقهایهم المقتنین آثارهم والمهتدین بهداهم الی آخره .

صاحب روضات الجنات در باره او چنین مینویسد :

کان رحمه الله تعالی محققا فی الاصول العربیه مدققا فی المسائل النظریه موبدا من عند الله من بدوامه الی النهایه منتہیا الیه ریاسة الامامیه باجود العنایة واحسن الکفایة و بالجمله لشان مولانا الیرزا اعلی الله تعالی مقامه اجل من ان یوصف بالبیان والتقریر وادق من ان یعرف بالبنان والتحریر الی آخره .

در اینجا چند جمله ترجمه از کلمات صاحب روضات الجنات نقل میشود،

میرزا رحمة الله علیه پارسی جلیل و جامعی نبیل و مبتکری تحریر بود از علماء مقدم بزرگوار و ادیبی ماهر و خطیبی باهر بود روشی نیکو داشت و بسیار مهربان و زیاد با خشوع بود. اشکش روان و دائما ریزان ، ناله اش فراوان رفتارش ملایم برخوردارش نیکو و معاشرتش پسندیده و محاوره اش لطیف بود . دو قسم معروف خطرانی که مینوشت چنانکه مکاتیبی که بجد ما نوشت و نزد ما موجود است شاهد بر این معنی است از جد و سعی او در تحصیل نوشته اند در زمانی که بتحصیل اشتغال داشت هنگام مطالعه چون خواب بر او مستولی میشد برای جلوگیری از غلبه خواب و تعدید آن در آخر شب چراغش را در زیر طاس و ظرفی میگذاشت سپس دست و پیشانی خود را بر آن ظرف مینهاد و میخواست بدینمین اندازه که ظرف از حرارت چراغ

گرم میشد و دست و صورت او را آزرده می ساخت از خواب میجست و باز بطلالع مشغول میشد صاحب روضات الجنات مینویسد: این تلخی و مرارت عظیم را متحمل شد و مخالفه نفس وهوی نمود تا دین مبین را تأیید نموده در راه حق مجاهده نمود و هم او در جلالت شان و فضل آن بزرگوار مینویسد: بزرگترین دشمن واقعی او (میرزا عبدالنبی التیشابوری مشهور به اخباری) که از او و اتباع و اولیانش به «بقاسمه» و از صاحب ریاض واصحاب او به «ازارقه» و از شیخ جعفر صاحب کشف الغطاء و اقرانش به «امر به» تعبیر مینماید درباره او مینویسد: «فی رجاله الکبیر عند بلوغه الی ترجمه هذا التحریر: ابوالقاسم بن الحسن الجیلانی اصلاً الجالبقی مولداً و منشا القمی جواری فقیه اصولی، مجتهد مصوب له کتاب القوانین فی اصول الفقه و کتاب مرشد العوام فی الفقه بالفارسیة معاصر یروی عن شیعنا محمد باقر البهبهانی مع و لفظه (مع) هنده رمز معتبر الحدیث». صاحب روضات و رحمة الله علیه پس از نقل کلام شیخ اخباری مذکور درباره مرحوم میرزا مینویسد: همین فخر و بزرگی و اعتبار برای او پس است که بزرگترین دشمنش اقرار مینماید که او معتبر الحدیث است و الفضل ما عهدت به الاعداء و در مقام تخطئه مرحوم میرزا زائد بر «مصوبه» بودن او نمی گوید و حال اینکه این خلاف واقع است و مصوب به عقیده ما کسی است که قائل به تعدد احکام واقعی الهی باشد بحسب تعدد آراء مجتهدین. مصوب آن کسی نیست که بگوید آنچه رای مجتهد بدان تعلق گرفت حکم ظاهری حق تعالی است درباره خود او و مقلدینش و چون خلاف آن معلوم و منکشف گردید آشکار میشود که حکم الله الواقعی نبوده اگر چه مجتهد در این امر مصیب است چون بقدر وسع و بر حسب تکلیف تفحص کرده است و عس و حرج در دین مبین اسلام نیست و ادله نقلی و عقلی قائم بر این معنی است که اعتقاد مجتهد نسبت به خود و مقلدینش حجیت دارد. این عقیده چه ربطی دارد به تصویب به معنی اول که از عقاید باطل عامه است در اصول از فروغ بملاوه اینان مخالف قول خدا و رسول ص اوهستند^۱ در هر فروع از اصول چنانکه بر ارباب خرد پوشیده نیست الی آخره

مشایخ و اساتید او - دربدو امر استاد میرزا، عالم جلیل و فقیه نبیل سید حسین خوانساری بوده سپس چنانکه اشاره شد در نزد استاد بلانانی و مجدد شریعت غراء آقا محمد باقر بهبهانی رضوان الله تعالی علیه تلذذ اختیار نموده و با اجازه استاد مذکور از او روایت نموده است و همچنین از شیخ محمد مهدی الفتونی العاملی و آقا محمد باقر هزار جریبی نجفی روایت کرده است

شاگردان او - شیخ اسدالله شوهرتری صاحب کتاب مقایسی از او روایت نموده است چنانکه در مقدمه مقایسی بدان تصریح نموده همچنین سید محسن امرجی صاحب کتاب المحصول از او روایت کرده است و عالم جلجل حاج محمد ابراهیم

... وطن

هنوزم بگردد از این هول حال
 که میرفت و میگفت سیرازجهان
 بچشم تو این خانه سنک است و غشت
 چه اوزد بیش تو یک مشت سیم
 بهر خشت از آن باشدم صد هزار
 نینم که اندر نظر ناورم
 کشم رخت از آن چون من تیره بغت

در این خانه ام بود ساز و سرور
 زد دیگر سرا چون کنم ساز گور

کرباسی نیز از او روایت کرده است چنانکه میرزا باو اجازه فتوی داده است و صاحب روضات رحمة الله علیه در ترجمه عالم مزبور مینویسد: ... الى حيث اذن له الميرزا ورحمة الله ان يفتي بين الناس بما اراه الله بل امره بذلك مرارا وجدفتي تصنيفه كتب الاحكام و كان في سني حيوته ورحمة الله لا يغادر غالبا المهاجرة اليه بقم المباركة مع ما يليق من الهدايا و التحف و يروي عنده ايضا بالاجازه

همچنین از او روایت کرده اند سید عبدالله معروف به شیر. و از شاگردان آن جنابند دو فاضل محقق « سید محمد مهدی بن سید حسن بن سید حسین الموسوی الخوانساری صاحب رساله مبسوط و مشهور در احوال ابی بصیر » و سید علی بن سید ابوالقاسم بن سید حسن شارح کتاب درة بحر العلوم. صاحب روضات مینویسد که: میرزا قدس سره عنایت زیادی باین دو شاگرد داشت و همچنین اعتماد و محبت شدیدی بایشان داشت و معتقد به فضل و تقدم ایشان بر سایر شاگردان امجادش بود به نحوی که این دو مثل گرامیترین اولاد او بودند و آن جناب به دیار ایشان زیاد مسافرت میکرد چون بآنان مانوس بود و در اعزاز و اکرام و بزرگ داشت ایشان میکوشید چنانکه اجتهاد ایشان را در پیش همگان گواهی کرده است و همچنین سید جواد عاملی صاحب مفتاح الكرامة از ایشان روایت کرده است